

Referential Identity and Conceptual Unity of Divine Attributes in the Views of Shaykh al-Mufīd and Ibn Sīnā (Avicenna)

Mohsen Qasempour¹

(Received: 2021-11-23; Accepted: 2022-05-10)

Abstract

In the theological-philosophical thought of Imāmī Shī‘ism, the ideas of Shaykh al-Mufīd and Ibn Sīnā (Avicenna) hold a distinguished position as some of the most influential and enduring intellectual thought in the domains of theology and philosophy, having spurred profound intellectual developments in their wake. This study seeks to model these two theological and philosophical perspectives within the intellectual geography of Shī‘a thought, elucidating the structural relationship between their views on the fundamental axes of the discourse on Divine Names and Attributes — namely, “the identity of essence and attributes” and “the conceptual unity of attributes.” Given the shared principles derived from the ideas of both thinkers, as well as the recognition that their apparent disagreements on the aforementioned issues are not foundational, it appears possible to reconcile “philosophy and theology” in general—and the views of Shaykh al-Mufīd and Ibn Sīnā in particular — by emphasizing doctrinal propositions, despite some divergences in perspective. Consequently, the study highlights the distinctive monotheistic framework of Shī‘a thought as the common foundation of both intellectual traditions, while also underscoring the unifying ground between “Imāmī theology” and “Islamic philosophy” as its key finding.

Keywords: Divine Names and Attributes, referential identity, conceptual unity, Shaykh al-Mufīd, Ibn Sīnā (Avicenna), philosophy and Imāmī theology.

1. Ph.D. Graduate in Islamic Philosophy and Theology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
Email: ghasempour158@gmail.com

عینیت مصداقی و اتحاد مفهومی صفات الاهی از نظر شیخ مفید و ابن سینا

محسن قاسمپور^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰]

چکیده

در فکر کلامی - فلسفی امامیه، اندیشه شیخ مفید و ابن سینا در جایگاه تأثیرگذارترین و پایدارترین اندیشه‌ها در حوزه کلام و فلسفه که تحولات فکری عمیقی را پس از خود سبب شده است، امتیازات ویژه‌ای دارا هستند. این نوشتار کوشیده است با الگو قرار دادن این دو فکر فلسفی و کلامی در جغرافیای فکر شیعه، چگونگی رابطه هندسه آرای این دو حکیم در محورهای اساسی بحث اسماء و صفات الاهی یعنی «عینیت ذات و صفات» و «اتحاد مفهومی صفات» را تبیین کند. با توجه به مبانی مشترک مستنبط و مستخرج از آرای هر دو متفکر و نیز کشف و فهم مبنایی نبودن اختلاف‌های ظاهری میان ایشان در هر دو مسئله پیش گفته، به نظر می‌رسد میان فلسفه و کلام به طور کلی و میان شیخ مفید و ابن سینا به نحو جزئی، با وجود اینکه اختلاف دیدگاه در مواردی وجود دارد، می‌توان با تأکید بر گزاره‌های فکر مکتبی، این دورویکرد را جمع کرد. در نتیجه امتیاز توحیدی فکر شیعه در جایگاه مبنای دو فکر و نیز وجه جامع میان کلام امامی و فلسفه اسلامی به عنوان یافته نهایی مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اسماء و صفات الاهی، عینیت مصداقی، اتحاد مفهومی، شیخ مفید، ابن سینا، فلسفه و کلام امامی.

۱. دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران ghasempour158@gmail.com

طرح مسئله

در زیست بوم انسان متشّرع، بالاترین چالش حیات در درونی‌ترین لایه‌های نفس و در برونی‌ترین واقعیت‌های اجتماعی را عبودیت تشکیل داده است (فخر رازی، ۱۳۷۳ ه.ش، ج ۳، ص ۱۵۵)؛ همچنین خداشناسی در مراتب توحید علمی و عینی مؤثرترین وجه از تشکیل رفتارهای فردی و اجتماعی انسان مسلمان خواهد بود (حسینی طهرانی، ۱۳۷۲ ه.ش، ص ۱۱) و ارتقای خداشناسی می‌تواند ارتقای حیات اجتماعی را دامن زند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۲۰). به بیان دیگر بی‌تردید «توحید حقیقی راز سعادت انسان است» و لبّ حقیقت توحید چنانچه جُلّ تفاسیر توحیدی معتقدند، چیزی جز ادراک صفات الاهی نیست (ابن عربی، ۱۳۳۹ ه.ش، ص ۱۰۳). از این رو نگارنده همت گماشته است مبانی دو گروه اصلی از مُعَرِّین توحید را در نگاه دانشیان کلام و فلسفه بازخوانی کند.

انتخاب دو اندیشه‌الگو برای آنچه ضروری ذکر شد، چندان سخت نیست. اگر جایگاه محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مُفید (۳۳۸ - ۴۱۳ ق) فقیه و متکلم شیعه را بدانیم که بی‌تردید در جغرافیای اندیشه جزء پایدارترین اندیشه‌های کلامی در توحید تلقی می‌شود و اثرپذیری بزرگانی چون سیدمرتضی، سیدرضی، شیخ طوسی و نجاشی از وی در علومی چون فقه، حدیث، کلام، رجال، اصول و ادبیات، نشان می‌دهد ساختارهای کلامی شیعی بر ساخته از مکتب فکری وی است و او را به حق می‌توان صاحب هندسه کلام شیعی دانست.

از سویی در فلسفه، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق/ ۹۸۰ - ۱۰۳۷ م) فیلسوف متبّع شیعه و رئیس مکتب مَشاء، تحولات فکری بزرگی را در فلسفه دامن زده است که گویای اهمیت فکر و اثرگذاری وی در آرای خواجه نصیرالدین طوسی، فخر رازی، جوزجانی و صدرالمُتألهین بود، بی‌تردید ظرف اندیشه‌ای خوبی خواهد بود تا در تحلیل فلسفی کلامی ما مورد توجه قرار گیرد.

نوشتار پیش‌رو از این حیث جدید و متفاوت است که اولاً بدانیم مبحث اسماء و صفات الهی، از مباحث الاهیاتی است که فروع مختلفی دارد که هر یک در علوم گوناگون اسلامی چون تفسیر، فقه الحدیث، کلام، فلسفه و عرفان بررسی می‌شود (روحی برندق و امینی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۱۲۲)؛ ثانیاً هرچند تحقیقاتی درباره دیدگاه‌های شیخ مفید^۱ و ابن سینا^۲ پیرامون صفات الهی و تطبیق آن در اسلام و مسیحیت^۳ انجام شده است، این تحقیقات جداگانه بوده‌اند و مقارنه این دو زیرساخت فکر شیعی مطالعه نشده است و ارزش تمرکز بر فکر اصیل امامیه را نداشته، سودمند به غایت مطروحه نبوده است.

پرسش اصلی این پژوهش، تمرکز بر چگونگی رابطه هندسه‌آرای این دو حکیم در محورهای اساسی بحث اسماء و صفات الهی یعنی «عینیت ذات و صفات» و «اتحاد مفهومی صفات» است. به نظر می‌رسد میان فلسفه و کلام به طور کلی و شیخ مفید و ابن سینا به نحو جزئی، هرچند اختلاف دیدگاه در مواردی وجود دارد، مبنایی نیست و ظاهری است؛ بنابراین با تأکید بر گزاره‌های فکر مکتبی، می‌توان بین این دو رویکرد جمع کرد.

ساختار این پژوهش، تبیین مفاهیم نظری بحث صفات خدا ذیل درآمد، بیان دیدگاه کلامی شیخ مفید و دیدگاه فلسفی ابن سینا در دو مسئله پیش‌گفته، سپس تطبیق آنها و تلاش برای رفع اختلاف‌های ظاهری میان ایشان در بخش درآمد و در نهایت بیان رأی مختار در این باب در بخش پایانی یعنی سرآمد است.

درآمد: مفهوم‌شناسی مبانی نظری

۱. مفردات و اصطلاحات

برخی اسم را نشانه می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ، ص ۴۰۱). با وجود تفکیکی که عده‌ای ارائه داده‌اند که اسم سبب تشخیص جوهر از اعراض است (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۸، ص ۳۵۲)، به هر حال درباره تعریف اسم نزد اهل لغت، اسم به چیزی بیشتر از نشانه معنا دلالت نمی‌نماید

(خویی، ۱۳۵۹ ه.ش، ص ۴۲۴). ریشه‌شناسی (Philology) تاریخ لغت اسم نیز این موضوع را نشان می‌دهد (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ ه.ش، ج ۶، ص ۳۸۱ - ۳۸۲). اصطلاح اسم در علم منطق، به معنای لفظ مفرد دارای معنایی مستقل غیرمقترن به زمان است (مظفر، ۱۳۷۳ ه.ش، ج ۱، ص ۵۹). در مقابل، صفت به معنای حالتی است که در چیزی یافت می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳ ه.ش، ص ۵۲۵). بنابراین مقصود از «صفت»، معنا و حالتی است که در موصوف وجود دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ش، ج ۹، ص ۳۵۶). پس از لحاظ دانش منطق و لغت، صفت نوعی اسم است. برخی میان اسم و صفت تفاوت قائل شده‌اند (فخر رازی، ۱۴۰۶ ه.ش، ص ۲۷) و برخی میان این دو تفاوتی در تعریف قائل نشده‌اند.^۴ عده‌ای از حکمای اسلامی گفته‌اند: مبدأ مشتق، صفت است و خود مشتق، اسم است (ر.ک به: سبزواری، [بی‌تا]، ص ۱۲۶). همچنین برخی بیان داشته‌اند: «الفاظ علم و قدرت و اراده و مشیت و حیات و مانند آنها صفات الله می‌باشند و الفاظ عالم و قادر و مرید و شائی و حی و امثال آنها اسماء الله» (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۲۳۹ - ۲۴۰). اما به نظر اسماء در جایگاه امری عینی در برابر ذات، صفت و فعل الاهی قرار می‌گیرد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۰ ه.ش، ج ۴، ص ۴۲) و اسماء و صفات در فلسفه و عرفان معنایی مشابه دارند و تنها فرقشان به رقیقه بودن معنای آن در فلسفه و حقیقه بودن آن در عرفان است.^۵ همچنین در نگاه متکلمان به اسماء و صفات الاهی، برخی گفته‌اند هر آنچه ممکن است به تصور انسان درآید، چنانچه تصور آن بدون تصور غیر و به صورت مستقل ممکن باشد ذات، و در غیر این صورت وصف است (محقق عاملی، ۱۴۱۳ ه.ش، ص ۶۳). در مقابل برخی متکلمان مسلمان، مشتقات را صفت و مبادی آنها را معنی می‌گویند؛ بنابراین علم و قدرت معنا و عالم و قادر صفت‌اند (ر.ک به: شعرانی، [بی‌تا]، ص ۴۱۳). از این رو نزد متکلمین، اصطلاح اسم خدا با مفهوم مشخص در برابر صفات و افعال خدا کاربرد دارد (روحی برندق و امینی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۲۲).

از نظر شیخ مفید نیز صفت همان وصف است (ر.ک به: اعتصامی و دیگران، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۶). ظاهر کلام شیخ مفید در اوائل المقالات نیز همین معناست: «صفت در حقیقت چیزی است

که از معنایی مستفاد خبر می‌دهد؛ چه اینکه مختص به موصوف باشد یا اینکه غیرموصوف هم در آن معنا شریک موصوف باشد»^۶ (مفید (الف)، ۱۴۱۳ هـ، ص ۵۵). از ظاهر عبارات فوق به دست می‌آید که نطق یعنی عقل، اندیشه و مفاهیم ذهنی که بر مصادیق خارجی دلالت می‌کنند و قول و کتابت در این جهت نماینده آنهاست (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱ هـ، ش، ص ۴۵). در مقابل، ابن سینا نیز در منطق شفاء^۷ اسم را دلالت‌کننده بر صفت دانسته است. در نتیجه به نظر می‌رسد مطابق قول صحیح، اسم و صفت با هم تفاوتی ندارند (ر.ک به: طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۸، ص ۳۵۲).

۲. نظریه‌های معرفتی در باب صفات الاهی

میان متفکران اسلامی پنج نظریه معروف درباره حدّ توانایی عقل در معرفت به صفات الاهی وجود دارد: ۱. تشبیه و تجسیم؛ ۲. اشتراک لفظی؛ ۳. الاهیات سلبی؛ ۴. تعطیل؛ ۵. اشتراک معنوی (ر.ک به: احدیان، ۱۳۹۰ هـ، ش، ص ۲۳).

اهل تشبیه: از آنجاکه در مقابل نفی‌کنندگان صفات از خداوند، قائل به صفات شدند، به آنها صفاتی گفتند (شهرستانی، ۱۳۶۴ هـ، ش، ج ۱، ص ۱۰۴). هرچند این دیدگاه قبل از ابوحسن اشعری هم موجود بود، او نخستین کسی است که به روش منطقی و قیاسی به اثبات آن و ردّ اعتراضات پرداخت (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۱ هـ، ش، ص ۴۵).

اشتراک لفظی: گروهی از صفاتی هستند که گرچه به وجود صفاتی برای خداوند معتقدند، قائل اند عقل از درک چنین صفاتی عاجز است^۸ و بشر به تأویل چنین الفاظی که در متون مقدس آمده مکلف نیست (شهرستانی، ۱۳۶۴ هـ، ش، ج ۱، ص ۱۰۴).

تعطیل: به معنای ناتوانی عقل بشر از شناخت معانی صفات الاهی است. این نظریه رانیز می‌توان افراط در انکار نظریه تشبیه محسوب کرد. باید توجه داشت نسبتی که به معتزله داده می‌شود، همین است؛ یعنی خالی بودن ذات از صفات و اینکه ذات فاقد صفات است؛^۹ اما مستفاد از

عبارات برخی از معتزله همچون ابوهذیل، همان نظریه شیعه یعنی عینیت ذات و صفات است نه نفی صفات به معنای فقدان صفات به طور کلی (مطهری، ۱۳۷۲ هـ.ش، ج ۳، ص ۹۸).
 الاهیات سلبی: یعنی معنای صفات ثبوتی خداوند متعال به سلبِ ضدّ، رجوع داشته باشد. یعنی معنای قادر، عدم عاجز باشد. قاضی سعید قمی در کتاب کلید بهشت چنین می‌گوید: «حاشا و کلاکه پیغمبران برای خدا اوصاف قائل شده باشند، بلکه غرض ایشان در هر وصفی از اوصاف که واجب‌الوجود را به آن متصف داشته‌اند، این است که او متصف به نقیض آن وصف نیست» (ر.ک به: دینانی، ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۱۹۱).

اشتراک معنوی: یعنی الفاظی که برای توصیف خداوند متعال به کار برده می‌شوند، به همان معنایی است که در روابط زبانی عرفی بین انسان‌ها به کار برده می‌شود؛ به همین دلیل گفته شده است: «مجسمه جمود بر ظواهر ندارند، بلکه حقیقتاً جمود بر انس و عادت ذهن در تشخیص مصادیق دارند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ج ۱، ص ۱۰).

در پایان مقدمات، کلامی از امام رضا (ع) نقل می‌شود که افزون بر اینکه به عمده مطالب این بخش اشاره دارد، از طریق آن وجه قول جمهور امامیه در این باب یعنی نظریه «اشتراک معنوی» هم کشف می‌شود که حاوی مبنای کلامی شیخ مفید و مبنای فلسفی ابن سینا نیز است. ایشان می‌فرمایند: «مردم در مورد توحید سه مذهب دارند: ۱. نفی؛ ۲. تشبیه؛ ۳. اثبات بدون تشبیه. پس مذهب نفی و تشبیه جایز نیست... و راه [صحیح] در طریقه سوم یعنی اثبات بدون تشبیه است»^{۱۰} (صدوق، ۱۳۹۸ هـ.ج ۱۰۷). مراد از مذهب نفی، روش معتزله است؛ احتمال دیگر، روش الاهیات سلبی است. مراد از مذهب تشبیه، روش مشبّهه و مجسمه است؛ مراد از اثبات بدون تشبیه این است که اصل معنای صفت را برای خداوند اثبات کند، اما ویژگی‌های مقارن آن معنا که در مخلوقات و ممکنات است را نفی کند؛ یعنی صفت را اثبات کند و حدّ را نفی کند (ر.ک به: طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ج ۷، ص ۴۲).

برآمد: تحلیل مؤلفه‌های محوری نظریه اسماء و صفات الاهی در فکر فلسفی - کلامی دو اندیشمند

۱. عینیت اسماء و صفات با ذات الاهی یا «اتحاد مصداقی ذات و صفات»

این دیدگاه منتخب بیشتر حکیمان و متکلمان اسلامی است^۱ و البته شهرت بر این استوار شده است که معتزله خلاف این را معتقدند و به سوی نفی صفات و نیابت ذات از صفات رفته‌اند؛ ولی شیخ مفید در اوائل المقالات آنها را در این باره هم عقیده با امامیه می‌داند (ر.ک به: مفید، ۱۴۱۳ هـ، ص ۵۲). از میان معتزلیان، کلمات ابی‌هذیل علّاف با این قول سازگار است. عبارت او چنین است: «خداوند متعال عالم است به علمی که این علم ذات اوست و قادر است به قدرتی که این قدرت ذات اوست و حیّ است به حیاتی که این حیات ذات اوست» (شهرستانی، ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۱۹). گرچه محمل این کلام در کتاب ابوالحسن اشعری به درستی شناخته نشده است، مفاد عبارت کاملاً گویای آن است که هم قائل به وجود صفات است برخلاف ابوهاشم و هم صفات موجود را عین ذات خداوند متعال به شمار آورده است.

از دیگر عبارات شیخ مفید و نیز ابن‌سینا درباره نسبت هندسه صفات الاهی با ذات باری تعالی، این گزاره متشابه به دست می‌آید که از نظر ایشان نیز میان ذات الاهی و صفات باری، عینیت وجود دارد و آن‌گونه که بیان شد، در مقابل جریان فکری اشاعره بیان شده است. گرچه نظریه عینیت بین متکلم و فیلسوف موضوع پژوهش ما مشترک است، چند نکته درباره این مؤدای واحد وجود دارد؛ اول: نظام دلایل کلامی شیخ مفید در برابر دلایل حکمت سینوی برای پذیرش این نظریه چگونه است؟ به اقتضای روش کلامی و فلسفی طبیعتاً شیوه استخدام دلیل در این دو حکیم متنوع است؛ اساساً ورود حکیم متکلم مبتنی بر استخدام نقل معتبر است، در برابر حکیم فیلسوف که در استخدام دلیل، بدون پیش‌فرض اعتقادی و با تکیه بر دلایل فلسفی به موضوع ورود می‌نماید. اما نه بر متکلم قبیح است که دلیل نقلی خود را با عقل متمیم کند و نه بر فیلسوف

توجه به دلیل نقل مستهجن است. زمانه شناسی ابن سینا به دلیل چهار دهه پسینی بودن از حیات علمی شیخ مفید و اثرگذاری فراگیر فکر کلامی ایشان بر مذهب امامیه، اساساً تصوّر غفلت و عدم توجه وی به معنای مذکور را غیر واقعی می نماید. دوم: مبنای این دو حکیم بر استخدام دلیل و انتاج به مؤدا مورد توجه است؛ بدین معنا که نتیجه نهایی، نظریه عینیت است و ممکن است دلیل این حکم، هر دلیل فلسفی یا کلامی باشد که ناقض وجود یک مبنای مشترک برای بنای فلسفی و کلامی نیست.

در این راستا، عبارت کلامی شیخ مفید برای اثبات نظریه عینیت که مورد استفاده نویسندگان و شارحان بعد از وی نیز بوده است، بدون اشاره به هیچ نقل خاصی، مضمون مجموعه ای بی نظیر از روایات توحیدی را تکرار کرده است: «خداوند عزوجل به خاطر ذات خود زنده است نه به واسطه حیات (زائد بر ذات) و به لحاظ ذات خود، توانا و داناست نه به لحاظ معنایی (زائد بر ذات) آن گونه که تشبیه گرایان از اصحاب صفات معتقدند»^{۱۲} (مفید (ب)، ۱۴۱۳ هـ، ص ۵۲).

شیخ مفید در ادامه به صراحت اشاره می کند که مؤید عقلی نظریه ایشان همان نظام ادله عقلی امامیه و معتزله است. بنابراین از نظر شیخ مفید هیچ معنا یا عرضی زائد بر ذات خداوند وجود ندارد و صفت نیز همان وصف است (ر.ک به: اعتصامی، برنجکار و رضائی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۱۶). از سویی دیگر عبارتی فلسفی از ابن سینا برای اثبات نظریه عینیت^{۱۳} وجود دارد: «قدرت و حیات و علم او یک چیز هستند و در نسبت و اضافه او به موجودات دیگر هر چند اضافات کثیرند، اما این نسبت ها قوام بخش ذات او نیستند تا سبب کثرت ذات بشوند، بلکه تابع برای ذات هستند»^{۱۴} (ابن سینا، ۱۳۶۳ هـ.ش، ص ۳۳).

مستند وی بر این مطلب، علت نداشتن واجب الوجود است. او واجب الوجود را از علل اربعه از جمله علت مادی و قابلی بری می شمارد. علت قابلی مستعد قبول وجود و کمال است، در حالی که واجب تعالی کمال بالفعل محض است و هیچ جهت نقصی در او راه ندارد، بلکه

همه کمالات برای او و از او و مسبوق به ذات او هستند و هرگونه نقصی هرچند به مجاز از او نفی شده است. حال چگونه ممکن است حقیقتی که همه کمالات از وجود او سرچشمه می‌گیرد، کمالی را از غیر استفاده کند؟! پس با ثابت شدن اینکه برای واجب‌الوجود علت‌قابلی وجود ندارد، ثابت می‌شود که امر بالقوه و صفت منتظره‌ای برای او وجود ندارد و هرآنچه برای او ممکن است، برای او به ضرورت موجود است و ذات کاملش بر همه اعتبارات تقدّم دارد.

گرچه ابن‌سینا اشاره‌ای به دلیل نقلی نمی‌کند، دلایل او به خوبی قابلیت ارائه یک نظام متکامل با آرای شیخ مفید را خواهد داشت و با وجود اختلاف نظرات میان محققان و پژوهشگران معاصر درباره مسئله بعدی یعنی اتحاد مفهومی، در خصوص انتساب این عقیده مشترک یعنی عینیت مصداقی به ابن‌سینا و شیخ مفید به طور هم‌زمان اختلافی نیست و شواهد متعددی نیز ارائه‌شدنی است.^{۱۵}

بنابراین بر اساس توضیحات پیش‌گفته به نظر می‌رسد اگر بخواهیم از فکر کلامی جاری در بیان شیخ مفید که نظریه عینیت را با جمله «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَاحِدٌ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَالْأَزَلِيَّةِ لَا شِبْهَةَ شَيْءٍ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَمَثُلَ شَيْءٌ» (مفید (الف)، ۱۴۱۳هـ، ص ۵۱) اثبات کنیم و عبارت اخروی فلسفی بیان نماییم، چیزی جز عبارت «أَنَّ وَاجِبَ الوجود بذاته واجب الوجود من جميع جهاته» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳هـ.ش، ص ۶) نخواهد بود. به عبارت دیگر، تنها راه تصور کلامی از توحید الاهی و غیرمتشابه، ترسیم تصدیقی - فلسفی واجب‌الوجود من جميع جهات است که در نتیجه فرضیه اولیه ما را در این باره اثبات خواهد کرد.

۲. بررسی رابطه صفات الاهی با یکدیگر یا همان «اتحاد مفهومی صفات»

یکی از بنیادهای اختصاصی فلسفه سینوی در مسئله صفات الاهی، طرح نظریه «اتحاد مفهومی صفات» است که نقدهای متعددی به آن وارد شده است؛ از جمله چگونه ممکن است بین مفهوم علم خدا و اراده خدا عینیت وجود داشته باشد و حال آنکه مفهوم علم و اراده

دو مفهوم بیگانه هستند؟ (ر.ک به: صدر المتألهین، ۱۹۸۱ م، ص ۱۴۸). با این وجود وی در تقریر نظریه خود به صراحت معتقد است نه تنها بین صفات الاهی و ذات واجب عینیت وجود دارد، بلکه میان صفات الاهی نیز از جهت مفهومی اتحاد برقرار است. وی گاهی این نظر را بین دو یا چند صفت خاص مطرح می‌کند و گاهی نیز به طور کلی نظر خود را ابراز می‌دارد که صفات واجب به لحاظ مفهوم و مصداق اتحاد دارند. دربارهٔ صفت «علم» و «اراده» هم در کتاب الاهیات شفا و هم در کتاب نجات به این مطلب چنین تصریح می‌کند: «ارادهٔ واجب الوجود ذاتاً و مفهوماً مغایر علم او نیست و ما علمی را که بعینه اراده است، تبیین کردیم»^{۱۶} (ابن سینا (ب)، ۱۴۰۴ هـ، ص ۳۶۷؛ ابن سینا، ۱۳۷۹ هـ، ش، ص ۲۱)؛ همچنین در کتاب المبدأ و المعاد به عدم تخالف مفهومی علم، قدرت، اراده، حکمت، حیات و جود تصریح می‌کند (ابن سینا، ۱۳۶۳ هـ، ش، ص ۱۹). نزدیک به همین مضمون را در کتاب نجات نیز می‌توان مشاهده کرد (ر.ک به: ابن سینا، ۱۳۷۹ هـ، ش، ص ۲۴۹). اما در کتاب تعلیقات، با عنوانی کلی به این موضوع می‌پردازد و چنین می‌آورد: «تکثر واجب الوجود نه در معنی [و مفهوم] و نه در تشخص [و مصداق] صحیح نمی‌باشد. شیء هنگامی که متکثر می‌شود یا این تکثر در معنی است و هر معنایی در ذاتش واحد است و در حقیقتش متکثر نیست و یا این تکثر در تشخص است؛ پس تشخص واجب این است که او "او" است. پس تشخص و "او" بودنش یک چیز است و او نفس ذاتش و حقیقتش است» (ابن سینا (الف)، ۱۴۰۴ هـ، ص ۶۲). هرچند برخی از عبارت اخیر، اتحاد مفهومی مدّ نظر ابن سینا را برداشت کرده‌اند (ذبیحی، ۱۳۸۳ هـ، ش، ص ۱۳)، این برداشت صحیح به نظر نمی‌رسد. مقصود این عبارت، اثبات عدم تکثر در وجود واجب است. به همین منظور می‌گوید معنای واجب الوجود مانند هر معنای دیگری به خودی خود مقتضای تکثر نیست، بلکه هر معنایی حکایت از یک حقیقت واحد دارد؛ حال اگر تشخص این معنا از خود آن معنی باشد، باید در تشخص نیز واحد باشد. پس مشخص شد در اینجا صحبتی از اتحاد مفهومی صفات مطرح نیست.

حال پرسش این است که اساساً آیا چنین اشتباهی از فردی مسلط‌الفن ممکن است یا تحلیل دیگری در این میان وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش برای تبیین اشکال به نظریه وی نیست، بلکه نگارنده با هدف پرسش اصلی خود، در تبیین نسبت فکری فلسفی سینوی و فکر کلامی مفید بهره خواهد برد.

هرچند برخی تصور کرده‌اند ابن‌سینا بدون استدلال این نظر را مطرح کرده است (احمدوند، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۶۲)، از نظر ما در عبارات او به خوبی استدلال‌هایی بر این مدعا مشاهده می‌شود که در ادامه به تشریح و تبیین آن خواهیم پرداخت.

در تبیین این نظر می‌گوییم اگر به مفهوم «علم واجب» از نظر ابن‌سینا دقت کنیم، درخواست یافت که «علم واجب» همان «منشأ صدور عالم» است؛ «قدرت» نیز همان «منشأ صدور افعال» است. پس «علم» و «قدرت» در مورد واجب، مفهومی واحد دارند که همان «منشأ صدور فعل» است. «اراده» نیز چنین وضعیتی دارد؛ «اراده» در مورد واجب، همان «رضایت» به ذات بالذات و رضایت به فعل بالعرض است و این «رضایت» همان «علم به ذات» و به فعل است نه امری زائد تا اینکه قوه‌ای امکانی در واجب در نظر گرفته شود که به وسیله دواعی خارج از ذات، بالفعل گردد.

پس در مفهوم «علم واجب» هم «منشأ بودن صدور» نهفته شده است و هم «رضایت». اینکه تأکید می‌شود در مفهوم، نه فقط در مصداق، به این دلیل است که اگر مثلاً در مفهوم «علم»ی که برای واجب در نظر گرفته می‌شود، «منشأ بودن صدور» نباشد، این «علم» انفعالی و موجب نقص واجب است. پس باید مفهوم به گونه‌ای اعتبار شود که نشان‌دهنده نسبت امکان به واجب نباشد و تنها در صورتی چنین مفهومی می‌توان لحاظ کرد که دربردارنده «قدرت» و «اراده» نیز باشد.

حال «حیات» نیز همین‌گونه است؛ «علم واجب» بعینه همان «منشأ صدور» بودن واجب است؛ پس «حیات واجب» امر مغایری نیست که حاصل «علم» و «قدرت» است، بلکه عین «علم»ی است که آن عین «قدرت» و همگی عین «ذات» است.

ابن سینا «جود» را نیز «فیض بی غرض» معنا می‌کند. بنا بر معنایی که در «اراده» گذشت که واجب در صدور فیض از ذاتش به دنبال قصد و غرضی نمی‌باشد، پس «جود» او نیز همان نفس «اراده» اوست.^{۱۷}

تحلیل برخی محققان درباره این نظریه که معتقدند صفات چنانچه با ذات در نظر گرفته شوند، به لحاظ مفهوم عین هم خواهند بود (ذبیحی، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۳)، گرچه تنها جزئی از نتیجه تحلیل فوق است، در مقام مؤید این بیان واقع خواهد شد.

مبتنی بر توضیحات پیش‌گفته و با در نظر گرفتن این مبنای مشترک و مستخرج از عبارات و آرای ایشان، مشخص می‌شود که «عینیت صفات با ذات»، در حقیقت پایه و سنگ بنای نظریه «اتحاد مفهومی صفات» است و ملازمه بین هر دو عنوان ضروری است؛ بنابراین ابن سینا بر اساس فهم دقیق از «عینیت ذات و صفات» و به دنبال آن، این نظریه اختصاصی خود را در «اتحاد مفهومی صفات» مطرح کرده است؛ اوج توحید امامی که تأکید نصوص از روایات خداشناسی نیز آن را تأیید می‌کند.^{۱۸}

از نظر شیخ مفید نیز وصف مفید معانی معقولی است که محلشان ذهن است و هیچ حقیقتی در ذات حق تعالی ندارند؛ به دیگر سخن وی مرجع و محل اشاره صفت را اندیشه‌ای می‌داند که ذهن و عقل از شیء دارد. اشیای دیگر هم اگر با این اندیشه همسان باشند، می‌توان همان صفت را درباره آنها به کار برد؛ مثلاً چون خدا و یک دانشمند در مفهومی که با عنوان عالم خوانده می‌شود، شریک هستند، می‌توان هر دو را عالم خواند. توصیف کردن وظیفه کلام یا نوشتن است و گفتن و نوشتن از وظایف عقل است که آنها را اختراع می‌کند یا به کار می‌برد (اعتصامی و دیگران، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۶)؛ در نتیجه هرچند این نظریه در زمان شیخ مفید مطرح نبود تا ایشان اظهار نظر مشخص درباره آن داشته باشند و ابن سینا سال‌ها بعد آن را عرضه نمود، با تحلیل مذکور می‌توان اثبات کرد چنانچه مبانی و ادله فوق را به

دستگاه فکری شیخ مفید که در مبحث قبلی تحلیل شد، عرضه نماییم، آنگاه متکلم ما نیز با فیلسوف ما در یک جریان متکامل خواهند بود که صورت‌بندی دقیقی از توحید امامی را تصویر خواهند نمود؛ از این رو استناد قائل‌بودن تغایر مفهومی صفات به شیخ مفید از سوی برخی^{۱۹} نشان از عدم تأمل و توجه به تحلیل پیش‌گفته در این نظریه و مبانی مشترک شیخ مفید و بوعلی دارد.

سرآمد: نتیجه‌گیری

در پاسخ به این پرسش که دو دیدگاه از دو اندیشمند امامی متکلم و فیلسوف درباره صفات الهی چگونه نسبتی با هم دارند؛ تحلیل شد که در مسئله «عینیت ذات و صفات»، هر دو نگاه هم به صورت ظاهری و هم از حیث مدلول ادله ارائه شده، با هم تطبیق دارند و تنها تفاوت روش فلسفی و کلامی سبب تفاوت‌هایی در منهج، ورود به مسئله و استخدام دلیل عقلی و نقلی شده است و نمی‌توان بین دو اندیشه تفاوتی لحاظ کرد.

در مسئله «اتحاد مفهومی صفات» که نظریه خاص اندیشمند فیلسوف مورد مطالعه است، بررسی شد که گرچه ادعا این است که نظر جناب مفید با نظر مشهور موافق و برخلاف نظر ابن‌سیناست، این تحلیل تنها یک تعارض بدوی است و تحلیل بر اساس مبانی نقلی شیخ مفید و مبانی عقلی جناب ابن‌سینا، هر دو فکر را در یک سو قرار می‌دهد.

همچنین بررسی شد با وجود تعارض بدوی و ظاهری، بر اساس مبنا و با تمرکز بر روش عملی دو حکیم، هر دو مبنا واحد بوده و تنها نوع ترسیم و فضای فکری و تاریخی طرح مسئله، نوعی تعارض ظاهری را نشان می‌دهد.

در نتیجه به نظر می‌رسد هر دو فکر الگو در این مقاله مبتنی بر «نظریه توحید شیعی» اساسی ممتاز و متمرکز دارند و تفاوت‌ها بنایی است و هرگز در ساحت مبنا اختلافی تصورپذیر نیست.

پی نوشت ها

۱. برای نمونه، ر.ک به: علی ربانی گلپایگانی، «گذری بر آرای شیخ مفید پیرامون صفات الهی»، ص ۲۹ - ۵۵.
۲. ر.ک به: محمد ذبیحی و اعظم ایرجی نیا، «بررسی وجودشناختی صفات الهی از دیدگاه ابن سینا همراه با نقد ملاصدرا»، ص ۱۹ - ۳۸.
۳. همچنین ر.ک به: محمد ذبیحی و اعظم ایرجی نیا، «صفات الهی از نگاه ابن سینا و توماس آکوئیناس»، ص ۲۹ - ۵۷.
۴. «الصفة هي الاسم الدال على بعض أحوال الذات و ذلك نحو طويل و قصير و عاقل و أحمق و غيرها» (جرجانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۵۸).
۵. برای مثال، نک به: ابن عربی، شرح فصوص الحکم، ص ۴۴ - ۴۶.
۶. «و أقول إن الصفة في الحقيقة ما أنبأت عن معنى مستفاد يخص الموصوف و ما شاركة فيه و لا يكون ذلك كذلك حتى يكون قولاً أو كتابة يدل على ما يدل النطق عليه و ينوب منابه فيه».
۷. «الاسم ليس اسماً في طبع نفسه، بل إنما يصير اسماً إذا جعل اسماً؛ و ذلك عند ما يراد به الدلالة فيصير دالاً. و ذلك جعله اسماً، أي جعله دالاً على صفة».
۸. می توان این گروه را نیز از معظله به شمار آورد؛ زیرا به تعطیل عقل از شناخت صفات تصریح می کنند.
۹. برخی گمان برده اند شیخ صدوق نیز قائل به همین نظریه است. منشأ این اشتباه عبارت ایشان در کتاب اعتقادات است: «كل ما وصفنا الله تعالى به من صفات ذاته، فإنما نريد بكل صفة منها نفي ضدها عنه تعالى» (صدوق، ۱۴۱۴هـ، ص ۲۷)؛ در حالی که مقصود ایشان در این عبارت، تفکیک بین صفات ذاتیه و فعلیه است و نه قول به سلبی بودن معنای صفات ایجابی الاهی.
۱۰. «للناس في التوحيد ثلاثة مذاهب نفي و تشبيه و إثبات بغير تشبيه فمذهب النفي لا يجوز و مذهب التشبيه لا يجوز لأن الله تبارك و تعالى لا يشبهه شيء و السبيل في الطريقة الثالثة إثبات بلا تشبيه».

۱۱. دراین باره برای آشنایی و اطلاع بیشتر به منابع ذیل رجوع کنید: محمد مهدی گرجیان و سعید احمدی، «بررسی عینیت صفات واجب تعالی با ذات با بهره‌گیری از حیثیت تقيیدیه»، قبسات، بهار ۱۳۹۴، دوره ۲۰، ش ۷۵؛ فضل‌الله خالقیان، «مسئله عینیت ذات و صفات الهی و کاوشی در نهج البلاغه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شهریور ۱۳۸۸، ش ۲۵ و ۲۶.
۱۲. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَيٌّ لِنَفْسِهِ لَا لِحَيَاةٍ وَإِنَّهُ قَادِرٌ لِنَفْسِهِ وَعَالَمٌ لِنَفْسِهِ لَا بِمَعْنَى كَمَا ذَهَبَ إِلَيْهِ الْمَشَبَّه مِنْ أَصْحَابِ الصِّفَاتِ».
۱۳. برای اطلاع و آشنایی بیشتر با نظر بوعلی و دیگر حکما دراین باره، ر.ک به: فریده حکیمی و مهدی دهباشی، «ذات و صفات الهی از نگاه ابن‌سینا و غزالی»، مطالعات فقهی و فلسفی، تابستان ۱۳۹۵، دوره ۷، ش ۲۶.
- حمیدرضا خادمی و سلمان شریعتی، «تبیین رابطه صفات ذاتی و ذات واجب از دیدگاه صدرالدین شیرازی»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، تابستان ۱۳۹۵، ش ۴، پیاپی ۶۸.
۱۴. «ان قدرته و حیاته و علمه واحد؛ و اذا كانت له اضافات الى الموجودات الكائنة عنه فليست مقومة لذاته، بل تابعة له».
۱۵. برای آشنایی بیشتر دراین باره، ر.ک به: معروف علی احمدوند، «بررسی و نقد نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الهی»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، زمستان ۱۳۹۳، ش ۶۲.
- محمد ذبیحی، «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن‌سینا»، اندیشه دینی، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۳.
- عبدالهادی اعتصامی، رضا برنجکار و محمدجعفر رضایی، «وجودشناختی صفات الهی از منظر متکلمان مدرسه بغداد»، شیعه‌پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ش ۱۶.
۱۶. «فواجب الوجود لیست ارادته مغایرة الذات لعلمه ولا مغایرة المفهوم لعلمه فقد بینا أن العلم الذي له بعینه هو الارادة التي له» و «فاذا لیس ارادته مغایرة الذات لعلمه ولا مغایرة المفهوم لعلمه وقد بینا أن العلم الذي له هو بعینه الارادة التي له».
۱۷. مشابه تبیینی که ارائه شد، در کتب مختلف ابن‌سینا آمده است (ر.ک به: ابوعلی

سینا، ۱۴۰۴ هـ (ب)، ص ۳۶۷؛ ابوعلی سینا، ۱۳۶۳ هـ.ش، ص ۱۹؛ ابوعلی سینا، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۲۴۹).

۱۸. بر این اساس فهم از روایت «كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ هـ، ص ۳۹) که شاهد از عینیت مصداقی صفات و ذات تلقی شده است؛ افزون بر دلالت بر آن، اتحاد مفهومی صفات را نیز با تبیین فوق‌الذکر تثبیت خواهد نمود.

۱۹. برای اطلاع بیشتر، ر.ک به: ربانی گلیپایگانی، ۱۳۷۱ هـ.ش، ص ۴۵.

کتاب‌نامه

نهج‌البلاغه

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۵ هـ.ش). اسماء و صفات حق تبارک و تعالی. تهران: اهل قلم.
ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۰۵ هـ). شرح فصوص الحکم. به کوشش محمود محمود غراب. دمشق: [بی‌نا].

ابن عربی، محیی‌الدین. (۱۳۳۹ هـ.ش). التدریجات الالهیه فی اصلاح المملكة الانسانیة. دمشق: مصادر الاسلامیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان‌العرب. بیروت: دارصادر.

ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۳ هـ.ش). المبدأ و المعاد. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۹ هـ.ش). النجاة من الغرق فی بحر الضلالات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۴ هـ الف). التعليقات. بیروت: مكتبة الاعلام الاسلامی.
ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۴ هـ ب). الشفاء (الالهیات). قم: مكتبة آیت‌الله المرعشی.
احدیان، ناهید. (۱۳۹۰ هـ.ش). «بررسی اشتراک لفظی و معنوی در اسماء و صفات الهی در آیات و روایات». آموزش معارف اسلامی. دوره ۲۳. ش ۳.

- احمدوند، معروف علی. (۱۳۹۳ ه.ش). «بررسی و نقد نظریه اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات الاهی». پژوهش‌های فلسفی - کلامی. ش ۶۲.
- اعتصامی، عبدالهادی؛ رضا برنجکار؛ و محمدجعفر رضایی. (۱۳۹۸ ه.ش). «وجودشناختی صفات الهی از منظر متکلمان مدرسه بغداد». شیعه‌پژوهی. ش ۱۶.
- جرجانی، میرسیدشریف علی بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ش). التعریفات. تهران: ناصر خسرو.
- جهامی، جیرار. (۱۴۲۵ ه.ش). موسوعة مصطلحات ابن سینا (الشیخ الرئيس). بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸ ه.ش). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. چ ۱. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
- حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۳۷۲ ه.ش). توحید علمی و عینی. چ ۲. مشهد: نشر علامه طباطبایی.
- حسینی زبیدی واسطی، سیدمرتضی. (۱۴۱۴ ه.ش). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- حکیمی، فریده؛ و مهدی دهباشی. (۱۳۹۵ ه.ش). «ذات و صفات الاهی از نگاه ابن سینا و غزالی». مطالعات فقهی و فلسفی. دوره ۷، ش ۲۶.
- خادمی، حمیدرضا؛ و سلمان شریعتی. (۱۳۹۵ ه.ش). «تبیین رابطه صفات ذاتی و ذات واجب از دیدگاه صدرالدین شیرازی». پژوهش‌های فلسفی - کلامی. ش ۴، پیاپی ۶۸.
- خالقیان، فضل‌الله. (۱۳۸۸ ه.ش). «مسئله عینیت ذات و صفات الاهی و کاوشی در نهج البلاغه». پژوهش‌های نهج البلاغه. ش ۲۵ و ۲۶.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۳۵۹ ه.ش). البیان فی تفسیر القرآن. چ ۴. بیروت: دارالزهراء.
- ذبیحی، محمد. (۱۳۸۳ ه.ش). «اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن سینا». اندیشه دینی. ش ۱۳. ص ۲۹ - ۴۶.
- ذبیحی، محمد؛ و اعظم ایرجی‌نیا. (۱۳۸۸ ه.ش). «صفات الهی از نگاه ابن سینا و توماس آکوئیناس». فلسفه دین. دوره ۶، ش ۲. ص ۲۹ - ۵۷.

- ذبیحی، محمد؛ و اعظم ایرجی نیا. (۱۳۹۳ ه.ش). «بررسی وجودشناختی صفات الاهی از دیدگاه ابن سینا همراه با نقد ملاصدرا»، بررسی های وجودشناختی، دوره ۳، ش ۶، ص ۱۹ - ۳۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۳ ه.ش). مفردات فی غریب القرآن. ج ۲. بیروت: دارالقلم.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۷۱ ه.ش). «گذری بر آراء شیخ مفید پیرامون صفات الاهی». نور علم. ش ۴۵. ص ۲۹ - ۵۵.
- روحی برزندق، کاووس؛ و نوروز امینی. (۱۳۹۲ ه.ش). «معنا و مصداق اسم ظاهر و اسم مکنون خدا در روایت ابراهیم بن عمر». حکمت اسراء. ش ۲۳. ص ۵ - ۲۶.
- سبزواری، هادی. [بی تا]. اسرارالحکم. تهران: مطبوعات دینی.
- شعرانی، ابوالحسن. [بی تا]. شرح فارسی تجرید الاعتقاد. [بی جا]: انتشارات اسلامیه.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴ ه.ش). الملل و النحل. ج ۳. قم: [بی نا].
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۰ ه.ش). تفسیر القرآن الکریم. ج ۴. چ ۲. تهران: بیدار.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه. چ ۳. بیروت: داراحیاء التراث.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۸ ه). التوحید. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۴ ه). الاعتقادات. قم: [بی نا].
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ه). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مکتبه النشر الإسلامی.
- فخر رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۴۰۶ ه). لوامع البینات شرح أسماء الله تعالی و الصفات. قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریه.
- فخر رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۳۷۳ ه.ش). شرح عیون الحکمة. قم: مؤسسه الصادق (ع).
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳ ه.ش). گوهر مراد. تهران: نشر سایه.
- گرجیان، محمد مهدی؛ و سعید احمدی. (۱۳۹۴ ه.ش). «بررسی عینیت صفات واجب تعالی با ذات با بهره گیری از حیثیت تقییدیه». قبسات، دوره ۲۰، ش ۷۵.

- محقق عاملی، حسن علی. (١٤١٣ هـ). كشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد. ج ١. بیروت: دارالفتوة.
- مطهری، مرتضی. (١٣٧٢ هـ.ش). مجموعه آثار. ج ٣. تهران: انتشارت صدرا.
- مظفر، محمد رضا. (١٣٧٣ هـ.ش). المنطق. ترجمه و اضافات: علی شیروانی. پاورقی: محسن غرویان و غلامرضا فیاضی. چ ٢. قم: انتشارات دارالعلم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (١٤١٣ هـ.ف). أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (١٤١٣ هـ.ب). تصحیح اعتقادات الإمامیة. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.